

نقد دیدگاه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآنیان شیعه

علی تصدیقی شاهرضائی^۱

سید رضا مؤدب^۲

چکیده

قرآنیان نام یک جریان فکری است که با تکیه بر وحدت امت اسلامی و شعار بازگشت به قرآن در سال‌های مشروطه و پس از آن، تحت تأثیر اندیشه‌های اصلاحی سید جمال الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی توسط یکی از شاگردان ایشان به نام سید اسدالله خرقانی شکل گرفت و به وسیله‌ی چهره‌های دیگری همچون: شریعت سنگلچی، یوسف شuar، برقعی، قلمداران و حسینی طباطبایی و...ادامه یافت. این گروه که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانند، روش تفسیری قرآن به قرآن را شاخص فهم قرآن، قرار داده‌اند؛ اگرچه یکی از مهم‌ترین و معترض‌ترین روش‌های تفسیری، تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد، لکن کاربرد این روش تفسیری از سوی ایشان در حوزه‌ی اعتقادت، با نقدهایی همچون عدم فraigیری، ناهمانگی و ضعف در نتیجه‌گیری همراه بوده است که در این پژوهش به بررسی آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: روش تفسیری قرآن به قرآن، قرآنیون شیعه، اسدالله خرقانی، آیات مشابه، روایت تفسیری.

۱- دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

moadab_r113@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه قم (استاد راهنمای)

۱- مقدمه و طرح مسأله

در حوالی سال‌های مشروطه و پس از آن و در رویارویی با پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ی غرب و تهاجم همه‌جانبه‌ی استعمار به کشورهای اسلامی، جریان‌هایی در این ایران شکل گرفت که برخی دینی و برخی غیردینی بودند. یکی از این جریان‌ها که با هدف اتحاد امت اسلامی و با شعار بازگشت به قرآن و دوران طلایی چهل سال اول اسلام شکل گرفت؛ جریان قرآنیان شیعه است. طرفداران این جریان که قرآن را در بخش اعتقادات کافی و بی‌نیاز از سنت می‌دانستند، چشم خود را بر روی بسیاری از روایات بستند و سنت را به‌طور جدی مورد نقد قرار دادند. چهره‌های شاخص این جریان، مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن را خود قرآن و بهترین روش تفسیری برای آن را روش تفسیری قرآن به قرآن معرفی کردند.

از آنجا که تاکنون در نقد و بررسی روش قرآنیان شیعه در تفسیر قرآن به قرآن، کار کاملی صورت نگرفته است، این تحقیق می‌تواند پاسخگوی این سوال باشد که آیا قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن، روش منحصر به فردی را دنبال کرده یا مانند دیگر مفسران، در این زمینه عمل نموده‌اند و آیا این افراد در اجرای این روش تفسیری به دیدگاه‌های خود پایبند بوده‌اند یا خیر؟

ضم‌منا با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اهداف شکل‌گیری این جریان، دعوت امت اسلامی به اتحاد و درنتیجه آن، بازگشت به شوکت اولیه‌ی اسلام و بهترین وسیله برای تحقق این امر، بازگشت به قرآن بوده است؛ وحدت و هماهنگی ایشان در دیدگاه‌ها و به‌خصوص روش تفسیری‌شان و کمال و قوت ایشان در به کارگیری این روش از ضروریات به نظر می‌رسد. بنابر این در این تحقیق، سعی بر آن است که نخست دیدگاه‌های قرآنیان شیعه در روش تفسیری قرآن به قرآن، معرفی گردد و سپس میزان پایبندی آنان به این دیدگاه، نقد و بررسی قرار گیرد.

۲- معرفی مهم‌ترین چهره‌های قرآنیان شیعه و آثار آنها

۲-۱- سید اسدالله خرقانی

سید اسدالله میراسلامی معروف به خارقانی (۱۳۵۵-۱۲۵۴ق) اولین کسی است که با شعار بازگشت به قرآن، شکل‌گیری جریان قرآنیان شیعه را در ایران رقم زد. او قریب ۲۵ سال در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف تحصیل کرد و به درجه‌ی اجتهد رسید (جعفریان، مقدمه، ص ک). خرقانی در نجف، بیش از همه، شاگرد آخوند خراسانی و در دستگاه‌ی بی بود (کرمانی، ۶۱ / ۱) و در همین حوزه‌ی درسی همراه شماری دیگر از طلاب جوان، دسته‌ای از روحانیون متعدد را در آستانه‌ی انقلاب مشروطه پدید آورد (فقیه حقانی، سخنرانی).

روحیه‌ی نوآندیشی و تجدد‌گرایی وی را نمی‌توان بی‌ارتباط با شرکت او در درس شیخ هادی نجم‌آبادی دانست. خرقانی ملاقات‌هایی هم با سید جمال‌الدین اسدآبادی داشته (جعفریان، ۲ و ۲۶) که قطعاً این ملاقات‌ها بر افکار و اندیشه‌های او بی‌تأثیر نبوده است. از سوی دیگر، خود خرقانی هم شخصیتی تأثیرگذار داشته است و افراد زیادی

تحت تأثیر وی قرار گرفته‌اند. از جمله‌ی شاگردان او می‌توان از طالقانی، بازرگان، نور محمدی- که محو الموهوم او را نوشته است- و صادق تقی نام برد (حسینی ورجانی، خاطرات). شریعت سنگلچی هم از جمله‌ی کسانی است که در مجلس درس تفسیر خرقانی حاضر می‌شده و از منهج او تأثیر می‌پذیرفته است (جعفریان، ۸۸۲).

بعضی از دیدگاه‌های خرقانی بر اساس نوشته‌هایش در کتاب محو الموهوم، عبارت‌اند از: حدیثی را که با نص قرآن مخالف باشد باید کنار گذاشت؛ چون قرآن مرجع اصلی و اساسی دین است و اخبار صحیح، چیزی جز شرح آن نیست (خرقانی، ۷۶ و ۱۳، ۷۲). معیار شناخت دین اصیل و واقعی از چیزهایی که در آن وارد شده، سه چیز است: اول: قرآن دوم: آن مقدار از سنت که مورد اتفاق همه‌ی فرق اسلامی است. سوم: سیره‌ی پیامبر (ص) در طول ۲۳ سال تبلیغ (خرقانی، ۱۲-۱۳). اولوا الامر در اسلام، انتخابی است (خرقانی، ۳۸-۳۹) و «عموم فرق اسلامی در مسئله‌ی اولوا الامر، به اشتباه رفته‌اند؛ زیرا آیه‌ی اولوا الامر، از روز اول فراموش شد» (خرقانی، ۴۲). «متدين کسی است که به تمام اقوال و افعال بیست و سه ساله‌ی ذات اقدس- سما قدره- عمل و از آن حضرت پیروی نماید تا مصدق مسلم و علاقه‌مند به قرآن و پیرو دین محمد (ص) باشد؛ پس از آنکه مصدق مؤمن شد، به هر یک از مذاهب مختلفه‌ی مسلمین داخل شود و برای تحصیل و وقوف بر بعضی دقایق دینی، هر نام و عنوانی بر خود گذارد، حرجی بر او نخواهد بود» (خرقانی، ۱۵۸).

برخی از آثار خرقانی عبارت‌اند از: ۱- رساله در مفهوم و مصدق اولوا الامر قرآنی ۲- کتاب محو الموهوم و صحوالعلوم.

۲-۲- شریعت سنگلچی

محمدحسن (شریعت) سنگلچی (۱۳۶۳-۱۳۱۰ق) که برخی نام او را رضاقلی (مدرسی چهاردهی، ش ۱۱۶، ۸۷۶) و برخی دیگر غلامرضا (جعفریان، ۸۸۱) ذکر کرده‌اند؛ یکی از معروف‌ترین قرآنیان شیعه است که از سوی برخی پژوهشگران (حب الله، ۶۱۲)، بنیان‌گذار اندیشه‌ی قرآنی در ایران نام گرفته است. او نزد علمای تهران شروع به تحصیل کرد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و مدت چهار سال و اندی در نجف بود و بار دیگر در سال ۱۳۴۰ قمری به تهران مراجعت کرد (سنگلچی، محو الموهوم، ۳-۷).

برخی از دیدگاه‌های شریعت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: قرآن برای همه، قابل فهم است (سنگلچی، ۲۱) و فهم آن، مبتنی است بر شناسایی اسباب نزول (سنگلچی، ۲۹) و نیازمند شناختن احوال عرب در آن عصر می‌باشد (سنگلچی، ۳۲). علت بدینختی مسلمانان این است که دین را از قرآن نمی‌گیرند و تعمق در آیات آن نمی‌کنند (سنگلچی، ۳). احکام شریعت در قرآن، کلی و نیازمند سنت است (سنگلچی، ۳۸). به دست کردن حلقه، انگشت، نخ یا امثال آن‌ها، برای دفع بلاء (سنگلچی، توحید عبادت، ۴۹)، تبرک به درخت، سنگ و امثال آن‌ها (سنگلچی،

توحید عبادت، ۵۷)، ذبح و قربانی برای غیر خدا (سنگلچی، توحید عبادت، ۶۱) و دعای توسل و استغاثه به غیر خدا (سنگلچی، ۷۲)، از اقسام شرک است.

سنگلچی آثار متعددی از خود بر جای گذاشته است که برخی از این آثار عبارت‌اند از: توحید عبادت، کلید فهم قرآن، محو الموهوم و البدع و الخرافات.

۳-۲- حکمی زاده

علی اکبر حکمی زاده (۱۳۴۶-۱۲۸۰ش) یکی دیگر از قرآنیان است که علاوه بر تحصیل علوم دینی، در مجالس عزاداری به مرثیه و روضه‌خوانی می‌پرداخت. مورخان او را از خطیبان سخنور و مرثیه‌خوانان خوش صدا به شمار آورده‌اند (ویکی‌پدیا).

او مسائلی از قبیل: احادیث، اصل امامت، عزاداری و ثواب آن و ابدی بودن قوانین اسلام را به چالش کشیده و پیرامون موضوعاتی همچون: ناسازگاری برخی از احادیث با عقل و زندگی و علت عدم علاقه‌ی مردم به دین، سؤالاتی مطرح و از علماء در مورد آن پاسخ خواسته است (حکمی‌زاده، ۴۹، ۴۱، ۲۳، ۱۴ و ۵۵).

برخی کتاب‌های برجای مانده از او عبارت‌اند از: اسرار هزارساله، آینین پاک، و راه نجات از آفاتِ تمدن عصر.

۴-۲- میرزا یوسف شعار تبریزی

میرزا یوسف شعار تبریزی (۱۳۹۲-۱۳۲۰ق) یکی دیگر از قرآنیان شیعه است که در تبریز و تهران، مکتب تفسیر قرآن راه انداخت و با نوشتن کتاب تفسیر آیات مشکله، شهرت یافت. او در بیست‌سالگی به مدرسه‌ی علوم دینی (طالیه و جعفریه) تبریز رفت و به تحصیل علوم فقه و اصول و معانی و بدیع پرداخت. ضمناً همزمان، برخی از علوم دینی را در همان‌جا تدریس می‌کرد (مجلس تفسیر تبریز، ۷).

دیدگاه‌های شعار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: « تنها با چنگ زدن به رشته‌ی قرآن می‌توان اختلافات شایع بین مسلمانان را حل کرد؛ شیوه‌ی اجرای آن هم این است که همان راه و روشی را که امام علی (ع) بعد از پیامبر (ص) بزرگوار اسلام برای حفظ وحدت جامعه‌ی اسلامی انتخاب کرد، برگزینند» (مجلس تفسیر تبریز، ۱۸). «قرآن مجید، مستقل بالفهم است و در تفسیر آیات، به اخبار و شأن نزول‌ها اعتماد کلی نمی‌توان کرد. در مورد احکام نیز هرچند وجود سنت ضروری است، باید به اخبار متواتر و در صورت نبود آن به اخبار اطمینان آور اکتفا کرد» (مجلس تفسیر تبریز، ۱۴). معانی تمام آیات قرآن قابل درک است (مجلس تفسیر تبریز، ۲۲-۲۳). «عقاید مسلمانان با مقدار زیادی از خرافات و بدعت‌ها که با نص قرآن ناسازگار است آمیخته شده است (همانجا، ۲۵-۲۶).

میرزا یوسف شعار دارای تأیفاتی عمده‌ای در حوزه‌ی تفسیر و علوم قرآنی است. این تأیفات عبارت‌اند از: تفسیر آیات مشکله، رساله‌ی محکمات و متشابهات در قرآن، تفسیر سوره‌ی جمعه و منافقون، مقدمات تفسیر و رسائل تفسیری.

۵-۲- فرید تنکابنی

عبدالوهاب فرید تنکابنی (۱۳۶۰-۱۲۸۶ش) یکی دیگر از قرآنیان و شاگرد شریعت سنگلچی است که با نوشتن کتاب اسلام و رجعت شهرت یافت. او مقدمات را در محل سکونت خود نزد پدر و دیگران آموخت و جهت تکمیل تحصیلات خود به اصفهان، تهران و سپس قم عزیمت کرد و در آنجا به درجه ای اجتهاد نائل آمد (مرسلوند، ۱۱۶/۵).

دیدگاه‌های فرید را بر اساس آنچه در کتاب اسلام و رجعت آمده است می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: باید به «قرآن کریم، به این حبل الله متین متمسک شد، و آئین پاک اسلام را همان‌طوری که در دوره‌های رشد و نمو اسلام معمول بوده عمل نمود» (فرید تنکابنی، ۶). در بین روایات، اخبار جعلی فراوانی در بخش اعتقادات وجود دارد که یک‌هزار آن در بخش احکام، جعل نشده است (فرید تنکابنی، ۶۵). «عقاید خرافی و بدعت‌ها را که هیچ ارتباطی با قرآن نداشته و باعث بی‌میلی مردم به اسلام گردیده‌اند، باید پاک‌سازی کرد» (فرید تنکابنی، ۵). «رجعت، از عقاید غلو‌آمیز و خرافی و بنابراین مردود است» (فرید تنکابنی، ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۳۳-۱۳۵).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «اسلام و رجعت» که مهم‌ترین اثر او بود و باعث شهرت وی گردید. «اسلام چنانکه بود» و کتابی به نام «روش زندگی» که ترجمه‌ای است از کتاب اویبوری انگلیسی.

۶-۲- سید ابوالفضل برقعی

سید ابوالفضل برقعی (۱۳۷۰-۱۲۸۷ش) یکی از شاخص‌ترین و تندروترین افراد جریان قرآنی است. او پس از گذراندن مقدمات و سطح، به درس خارج فقه و اصول رسید و آن‌ها را نیز فراگرفت و در عین حال به تدریس مقدمات برای طلاب جوان نیز اشتغال داشت. برقعی بخشی از تحصیلات دینی خود را نیز در نجف اشرف گذرانده و در آنجا از بعضی مراجع، کسب درجه ای اجتهاد کرده است (برقعی قمی، ۱۰ و ۱۱).

دیدگاه‌های برقعی از جمله‌ی تندترین دیدگاه‌های قرآنیان نسبت به اعتقادات شیعه به شمار می‌رود. او معتقد است: «برای اینکه فریب اخبار مجعلو را نخوریم و اسیر خرافات نشویم، آشنایی با قرآن کریم بهترین وسیله‌ی نجات است» (برقعی قمی، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، ۱۰۰۶). «ابیاء (ع) پس از وفات خود از امت خویش خبر ندارند و در عالم باقی از عالم فانی، بی‌خبر و آسوده‌اند» (برقعی قمی، سوانح ایام، ۲۴۹). «کتب مذهبی مانند کافی و بحار مملو از مطالب ضد قرآن و عقل است و از امامان هدایت نیست و پرداخته‌ی دشمنان است» (برقعی قمی، همانجا، ۲۵۰). «مهدی منتظری که طبق عقیده و روایات شیعه می‌آید و برای جهان عذاب و نقمت است و مردم جهان را با شمشیر می‌کشد و بهزور، همه را به اسلام وارد می‌کند و تا زیر شکم اسبش خون بالا می‌آید و کافری در دنیا نمی‌ماند برای اینکه پنج سال یا هفت سال ریاست کند، صحیح نیست و برخلاف آیات و سنت الهی است» (برقعی

قمی، همانجا، ۲۵۰). «این عقیده‌ی شیعه که ائمه به دنیا بازمی‌گردند و مخالفان خود را از قبور بیرون می‌آورند و به آتش می‌کشند و جزا می‌دهند؛ صحیح نیست» (برقی قمی، همانجا، ۲۵۱).

تعدادی از مهم‌ترین تأثیفات او که پس از تغییر عقیده نوشته است عبارت‌اند از: نقد المراجعات و الرد عليهما، به زبان عربی، تابشی از قرآن، ترجمه‌ی احکام القرآن شافعی، ترجمه‌ی عقیده‌ی اسلامیه از تأثیفات محمد بن عبدالوهاب، ترجمة مسنده امام زید بن علی، اصول دین از نظر قرآن، خرافات و فور در زیارت قبور، تضاد مفاتیح الجنان با آیات القرآن، بررسی علمی در احادیث مهدی، بت‌شکن یا عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، رهنمود سنت در رد اهل بدعت و ترجمة مختصر کتاب منهج السنہ، از تأثیفات ابن تیمیه.

۷-۲- حیدرعلی قلمداران

حیدرعلی قلمداران (۱۳۶۸-۱۲۹۰ش) یکی از افراد قرآنی است که کتاب‌های زیادی تألیف کرده و با برقی و حسینی طباطبایی هم دوره بوده و ارتباط تنگاتنگی داشته است. او فاقد هرگونه مدرک تحصیلی و تحصیلات حوزوی بود و تنها معلم وی، پیرزنی بوده که مقداری قرآن به او آموخته است (حسینی ورجانی، گ). او حوالی سی سالگی در تهران به خدمت آموزش و پژوهش درآمد و از همین سال‌ها بود که فعالیت‌های فرهنگی و نگارشی وی از طریق همکاری با نشریات و مطبوعات غالباً دینی آغاز گردید (زنگار، ۵ و ۶).

برخی از دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «کسی که از جانب مسلمین برانگیخته شد امام مفترض الطاعه است و مدامی که در اطاعت خدا است مخالفتش حرام است؛ پس انحصار آن به امام معصوم بدون دلیل و بی‌معنی است» (قلمداران، الف، ۱۸۶). «خمس فقط مربوط به غنائم جنگی است» (قلمداران، خ، ۱۸۷). «انهدام یک رکن مهم اسلام، ترک جمیع است» (قلمداران، الف، ۲۰۴). «ساختن بقعه و پرداختن دخمه و پرستش اموات، یکی از آداب و سنن ادیان خرافی و باطله‌ی قبل از اسلام بوده است» (قلمداران، الف، ۲۳۷). «اکثر اعمالی که در میان شیعیان به نام شعایر دین صورت می‌گیرد از قبیل تعمیر مقابر و تعظیم مشاهد و عزاداری‌ها و زنجیرزنی و نذر برای غیر خدا و موقوفات و توسلات و ... اگر به دیده‌ی تحقیق نگریسته شود مخالف شرع انور و مباین با تعالیم پیامبر و ائمه‌ی بزرگوار اسلام بوده و شرک خالص است» (قلمداران، الف، ۲۸۵).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: کتاب ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انجساط مسلمانان، حکومت در اسلام، حج یا کنگره‌ی عظیم اسلامی، حقایق عربیان در اقتصاد قرآن [«زکات»، خمس، راه نجات از شرّ غلات که در پنج قسمت تألیف شده است، شاهراه اتحاد و کتاب سنت رسول از عترت رسول.

۸-۲- سید صادق تقوی

سید صادق تقوی (۱۳۷۳-۱۲۹۲ش) در تجربیش به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا سال ۱۳۱۶ ادامه داد و پس از طی دوره‌ی دانشکده‌ی دندانپزشکی، فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۲۰ به استخدام وزارت بهداری در آمد و در سال ۱۳۴۷ بازنشست شد (جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی و....، ۹۰۹).

از مهم‌ترین دیدگاه‌های تقوی این بود که با تقسیم اسلام به قدیم و جدید، اسلام قدیم را اسلام تحریف شده می‌دانست و معتقد بود: «مکتب اسلام واقعی در اثر هوا و هوس و اغراض شخصی پیشوایان ادیان در دوران تاریخ چندین بار تحریف شده و از صورت پاک و صحیح اولیه به صورت‌های خرافی و پست جلوه کرده ... و اینکه ما آن اسلام واقعی را به دست آورده و تجدید می‌نماییم و چون اصول علمی ما برای کشف حقایق اسلام تازگی دارد و از طرفی نام اسلام را پیشوایان سوء بدنام کرده‌اند، ما مجبوریم آن مکتب پاک و عالی را به نام مکتب جدید اسلام معرفی نماییم» (تقوی، ۴). او به جز قرآن، عمل فعلی مردم مکه و مدینه را در احکام قابل استناد می‌دانست (تقوی، ۴۱) و معتقد بود که در هر زمان امام زمانی وجود دارد و در عصر خویش، خود او یعنی دکتر تقوی امام زمان است. وی که خود را سنی نبوی و شیعه نبوی می‌خواند، گفتن «حی علی خیر العمل» را به دلیل این که معنایش متناسب نیست، جایز نمی‌دانست، چراکه - از نظر او - نماز بهترین اعمال نیست، بلکه یکی از اعمال خوب است (جعفریان، جریانها و سازمانهای مذهبی و....، ۹۱۲).

برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از: مواد اساسی حکومت اسلام، چگونه نماز بخوانیم، دوازده قاعده رفع اختلاف مسلمین، قوانین ارث اسلام و ترجمه و تفسیر قرآن به ترتیب نزول سوره‌ها.

۹-۲- حسینی طباطبائی

سید مصطفی حسینی طباطبائی در سال ۱۳۱۴ش در خانواده‌ای متدين و اهل علم به دنیا آمد. او از نوادگان آیت‌الله طباطبائی بزرگ از سران انقلاب مشروطه است. وی در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد اما هرگز لباس روحانیت بر تن نکرد (مختصری از زندگینامه‌ی استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، ۱-۵).

مهم‌ترین دیدگاه‌های او عبارت‌اند از: «قرآن کریم بدون حدیث، قابل فهم است» (حسینی طباطبائی، ر، ۱۵۰). «باید شرح مجملات قرآن را به سنت احالة کنیم؛ مانند شرایط بعضی از احکام که در قرآن مجید نیامده‌اند و در این باره استبداد به رأی نشان ندهیم» (حسینی طباطبائی، ر، ۱۴۵). «موضوع امامت از دیدگاه محکمات قرآن مجید، به اعتبار ماهیت، از حکومت رسمی و امارت جدا است» (حسینی طباطبائی، ر، ۱۵۸). سجده بر مهر جزو مستحبات است (حسینی طباطبائی، آ، ۸).

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: راهی به سوی وحدت اسلامی، خیانت در گزارش تاریخ، دین‌ستیزی نافرجام، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، نقد کتب حدیث، فتح البیان فيما روی عن علی من تفسیر القرآن، علیَّ بین

التقصیر و الغلوّ، آیا سجده بر غیر زمین جایز است؟، قرآن بدون حدیث هم قابل فهم است، دفاع از شمشیر اسلام و بررسی آراء اخباری و اصولی.

روش تفسیری قرآن به قرآن و دیدگاه قرآنیان شیعه در خصوص آن

روش تفسیری قرآن به قرآن، که از سوی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و مفسران بزرگی در دوره معاصر همچون علامه طباطبائی مورد استفاده قرار گرفته و به گفته‌ی ابن تیمیه نیز یکی از بهترین روش‌های تفسیر قرآن است (ابن تیمیه، ۹۳)، در صورت رعایت قواعدش،^۱ روشی پسندیده است که قرآنیان هم نه تنها از این روش استفاده کرده بلکه آن را در صدر روش‌های تفسیری خود قرار داده و معتقدند: «باید تفسیر آیات قرآن را اول از خود قرآن اخذ نمود و اگر تفسیر ان در قرآن نباشد باید مراجعه به سنت نمود» (سنگلچی، ۱۵؛ حسینی طباطبائی، ب، ۱۱۵). با توجه به اینکه روش تفسیری قرآن به قرآن عبارت است از تفسیر آیات قرآن به وسیله‌ی دیگر آیات مشابه و متعدد الموضوع، اختلاف چندانی نمی‌توان در دیدگاه صاحبان این روش تفسیری مشاهده کرد؛ بنابر این بهتر است نقد و بررسی قرآنیان شیعه را در استفاده از این روش تفسیری، در عملکرد ایشان پیگیری نماییم. با نگاهی به آثار تفسیری قرآنیان شیعه که نمونه‌های از ان در ذیل می‌اید، می‌توان نقد شیوه استفاده آنان از روش قرآن به قرآن را در چهار بخش مورد بررسی قرار داد.

۱-۳- فراگیر نبودن استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن از سوی قرآنیان شیعه

در قرآن مجید پیرامون برخی از موضوعات، آیات مشابهی وجود دارد و برخی از موضوعات هم هستند که دارای آیات مشابه نیستند؛ بنابراین بر کسانی که از روش تفسیری قرآن به قرآن استفاده می‌کنند؛ به خصوص آن‌هایی که این روش تفسیری را بهترین روش برای تفسیر قرآن می‌دانند و آن را در صدر روش‌های خود قرار می‌دهند، لازم است که در تفسیر آیاتی با موضوع مشترک حتماً همه‌ی این آیات را مدنظر قرار دهند تا روش تفسیری‌شان کامل باشد و اگر مواردی مشاهده شد که آن‌ها به این موضوع توجه نکرده‌اند، روش تفسیری‌شان با نقصان مواجه می‌شود. با مراجعه به برخی کتب از جمله دو کتاب تفسیری قرآنیان، (تابشی از قرآن و تفسیر آیات مشکله) می‌بینیم که این روش تفسیری از سوی آنان به صورت کامل رعایت نشده است؛ به عنوان مثال، برگی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «صراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا أَلْفَاظَيْنَ» (راه کسانی که به آنان نعمت عطا کردی، هم آنان که نه مورد

^۱- نخستین قاعده در این روش تفسیری کنار گذاشتن نظریه استقلال یا کفایت قرآن در تفسیر است که هر چند طرفدارانی دارد اما همان‌طور که گفته شد حتی خود قرآنیان هم آن را بهطور کامل قبول ندارند و فهم آن را مبتنی بر شناخت اسباب التزول احوال عرب عصر نزول و تاریخ و لغت و ... و فهم مجلات آن را متوقف بر سنت می‌دانند. قاعده‌ی دوم اینکه بدانیم با این روش تفسیری نمی‌توان کل قرآن را تفسیر کرد چون ممکن است در قرآن آیاتی باشد که از نظر لفظ و معنی تنها یکبار در قرآن به کار رفته باشند؛ علاوه بر اینکه در این روش تفسیری ملاحظه تاریخ و شان نزول آیات، بسیار ضروری است چون، بدون آگاهی از تاریخ نزول آیات نمی‌توان تفسیر صحیحی ارائه و آیات ناسخ و منسخ را تعیین کرد و بدون شناخت شان نزول برخی از آیات، تفسیر دقیقی از آن‌ها به دست نمی‌آید؛ بنابراین، روش تفسیری قرآن به قرآن به تهایی نمی‌تواند روش کامل و بدون نقصی باشد.(برای آگاهی بیشتر نک: عمید زنجانی، عباسعلی، میانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، تهران).

خشم تواند و نه گمراهاند. (الفاتحه، ۷) بدون هیچ اشاره‌ای به آیه‌ی «وَمَنْ يَطِعُ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالصَّدِيقِينَ وَالشَّهِدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» یعنی: و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره‌ی کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (النساء، ۶۹) به تفسیر آیه پرداخته و حرفی از اینکه چه کسانی مورد انعام الهی قرار گرفته‌اند به میان نیاورده است؛ (برقعي قمي، ت، ۱/۷۳) در حالی که آیه‌ی دوم به روشنی مشخص کرده است که مؤمنان، در صورت اطاعت از خدا و رسول با پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان - که همگی مورد انعام الهی قرار گرفته‌اند - خواهند بود.

و در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «ذُلِكَ الْكِتَابُ لَا رَبَّ لَهُ إِلَّا هُنَّا مُلْمَقِينَ» یعنی: این کتاب، که هیچ شکی در آن نیست؛ سراسر برای پرهیز کاران هدایت است. (البقره، ۲) نیز بدون اشاره به آیه‌ی «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ ...» یعنی: ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سرتاسر شهادتگر مردم است ... (البقره، ۱۸۵)، متین را بر کسانی حمل کرده است که جلو ضرر احتمالی را بر خود می‌گیرند (برقعي قمي، ت، ۱/۷۴) در حالی که اگر به آیه‌ی دوم توجه کرده بود تفسیر وی متفاوت می‌شد؛ چون با توجه به آیه‌ی دوم می‌توان هدایت قرآن را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم کرد که هدایت اولیه شامل همه انسان‌ها می‌شود و هدایت ثانویه به متین اختصاص دارد.

همچنین در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَا يَحْسِنُ الَّذِينَ يُبَخِّلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيِطَوْفُونَ مَا بَخْلَوْا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (آل عمران، ۱۸۰) می‌گوید: «و جمله‌ی: سَيِطَوْفُونَ دلالت دارد که چون زکات مالی داده نشد آن مال مجسم گردد به شکل افعی و روز قیامت به گردن صاحبش بپیچد؛ چنانکه در حدیثی آمده‌است» [برقعي قمي، ت، ۱/۲۶۴].^۱ او بدون اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی «يَوْمَ يَحْمِيُ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكُوِيُ إِلَيْهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوُّهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَتَزْتَمِ لِأَنفُسِكُمْ فَدُوْقُوا مَا كَتَمْ تَكَنُزُونَ» (التوبه، ۳۵) یعنی: روزی که آن اندوخته‌ها را در آتش دوزخ به شدت گرم دهند و پیشانی و پهلو و پشتاشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهیب زند] این است ثروتی که برای خود اندوختید، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید. به تفسیر آیه‌ی اول پرداخته است؛ درصورتی که اگر به آیه‌ی دوم توجه می‌کرد تفسیر او از دقت و اعتبار بیشتری برخوردار می‌شد؛ چون با استفاده از آیه‌ی سوره‌ی توبه می‌توان نتیجه گرفت که طلا و نقره‌ای که در دنیا جمع می‌کردند؛ در آخرت به صورت گداخته و آتشین به شکل حلقه‌ای بر گردن آن‌ها نهاده می‌شود.

در اینجا ممکن است گفته شود، کتاب تابشی از قرآن، کتاب تفسیری نیست؛ بلکه ترجمه‌ای از قرآن است؛ بنابراین لازم نیست قواعد تفسیر در آن رعایت شود. در پاسخ این اشکال می‌گوییم اولاً: ترجمه، عبارت است از برگردان

^۱ - نمونه‌ی دیگر: همان، ص ۲۹۳.

متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد، بدون هیچ شرح و توضیح اضافه؛ در حالی که در کتاب تابشی از قرآن، پس از ذکر آیات، ابتدا ترجمه و سپس شرح و توضیح آیات بیان شده است. ثانیاً این کتاب توسط خود بر قعی تفسیر نامیده شده است (بر قعی قمی، ت، ۸۲۰ / ۲).

در کتاب تفسیر آیات مشکله هم هرچند استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن وسیع تر است اما نه به این معنی که استفاده از آن فراگیر و صد در صد باشد؛ به عنوان نمونه، یوسف شعار در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّمَا يُعْمَلُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقْامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الْزَكَاةَ وَلَمْ يَخْشُ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولُّكُمْ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» یعنی: آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را برابر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتنگان باشند. (التوبه، ۱۸) با توجه به آیه‌ی قبل از آن و بدون اشاره به آیه‌ی «أَوَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيُنَظِّرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْكُفَّارِ مِنْ قَبْلِهِمْ كَائِنًا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا ...» یعنی: آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا با تأمل بنگرنده سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان قوی تر و نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و آن را بیش از آنچه اینان آبادش کردند، آباد نمودند... (الروم، ۹) به تفسیر آیه پرداخته و تعمیر مساجد را در این آیه، بر تعمیر معنوی حمل کرده است؛ (شعار، ۱۷۵) درحالی که چنین تأویلی نه شاهدی از دیگر آیات دارد و نه تناسبی با ظاهر لغت و اگر به آیه دوم توجه کرده بود، به این نتیجه می‌رسید که عمارت در قرآن به معنی آباد کردن و تعمیر ظاهری به کاررفته است نه تعمیر باطنی؛ بنابر این، در آیه مورد نظر هم منظور از آباد کردن مساجد، تعمیر ظاهری آن است؛ چون کفار و مشرکان که منکر وجود خداوند هستند، مسلمان برای اقامه نماز به مساجد نمی‌آیند تا با این کار خود مساجد را از نظر معنوی آباد کنند.

۳-۲-۳- بی توجیهی به برخی از آیات مشابه و همسو در تفسیر قرآن به قرآن

روش تفسیری قرآن به قرآن در صورتی کامل و مفید خواهد بود که مفسر، با اشراف و احاطه‌ی کامل به تمام آیات مشابه و همسو، به تفسیر آیات قرآن پردازد؛ در غیر این صورت، تفسیر او با نقصان مواجه و دچار اشکالاتی خواهد شد؛ به عنوان نمونه، بر قعی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكَتُمْ أَمْوَاتَنَا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يَمْتَكِّمُ ثُمَّ يَحْسِكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» یعنی: چگونه به خدا کفر می‌ورزید درحالی که مرده بودید، پس شما را حیات بخشید، سپس شما را می‌میراند، آنگاه دوباره زنده می‌کند، سپس بهسوی او باز گردانده می‌شوید (البقره، ۲۸) به آیه‌ی «لَا يَذُوقُونَ فَيْهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَ الْأَوَّلِ وَلَا يَعْلَمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ» یعنی: در آنجا مرگ را نمی‌چشند، مرگ آنان همان مرگی بود که در دنیا چشیدند، و خدا آنان را از عذاب دوزخ مصون می‌دارد. (الدخان، ۵۶) و آیات «ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيْتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبَعْثَرُونَ» یعنی: سپس همه شما بعد از این می‌میرید. آنگاه شما مسلمان روز قیامت برانگیخته می‌شوید (المؤمنون، ۱۵ و ۱۶) اشاره کرده (بر قعی قمی، ت، ۸۴/۱)، درحالی که به آیه‌ی «النَّارُ يَعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ

عَشِيَا وَ يَوْمَ تَقُومُ الْسَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فَرْعَوْنَ أَشَدَ الْعَذَابِ» یعنی: آتش است که صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا شود، فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب درآورید. (الغافر، ۴۶) توجهی نکرده است؛ در حالی که در این آیه، ابتدا به عذابی که آل فرعون صبح و شب گرفتار آن هستند و سپس به عذاب روز قیامت اشاره شده است و این مطلب می‌تواند شاهدی بر وجود حیات بزرخی باشد و دست کم از سوی مفسر، جای بررسی و موشکافی داشته است.

۳-۳- لغزش برخی از قرآنیان شیعه در به کارگیری روش تفسیری قرآن به قرآن

با مراجعه به تفاسیری که قرآنیان با استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن ارائه کردند، درمی‌یابیم که برخی از این تفاسیر صحیح و قابل قبول نبوده است؛ به عنوان نمونه، یوسف شعار در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيَّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَأَشْكُرُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانًا بِهِ تَعْبُدُونَ» یعنی: ای اهل ایمان! از انواع میوه‌ها و خوردنی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می‌پرستید. (البقره، ۱۷۲) با استشهاد به آیه‌ی «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا أَتَقْوَا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ أَتَقْوَا وَآمَنُوا ثُمَّ أَتَقْوَا وَآمْسَحُوا وَاللَّهُ يُحِبُ الْمُحْسِنِينَ» و آیه‌ی «قُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالظَّيَّابَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ تُفَصَّلُ الْآيَاتُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» یعنی: بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگرچه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریک‌اند، ولی] در قیامت فقط ویژه‌ی مؤمنان است؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می‌دانند، بیان می‌کنیم. (الاعراف، ۳۲)؛ جمله‌ی «إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانًا بِهِ تَعْبُدُونَ» را متعلق به «كُلُوا» گرفته و آیه را این گونه معنی کرده است «ای مؤمنین! از روزی‌ها بخورید اگر به خدا عبادت کنند گانید» (شعار، ۷۴-۷۵)؛ در حالی که اگر به آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَنْجِعُوا خُطُوطَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌ مُّبِينٌ» یعنی: ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (البقره، ۱۶۸) توجه می‌کرد می‌توانست به این نتیجه برسد که امر به خوردن از روزی‌های حلال و پاکیزه‌ی زمین، مشروط به عبادت خدا نیست؛ چون این دستور اباحی، با خطاب «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» به همه‌ی مردم، صرف نظر از ایمان و عبادتشان داده شده است.

او همچنین در تفسیر آیه‌ی «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهُدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَّا يَخْصَمُ» یعنی: و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی دنیا تو را خوش آید، و خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می‌گیرد، در حالی که سرسخت‌ترین دشمنان است. (البقره، ۲۰۴)، با توجه به آیات «أَوْ لَمْ يَرَ إِلَّا إِنْسَانٌ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ» یعنی: آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه‌ای [پست و ناچیز] آفریده‌ایم و اینکه ستیزه‌گری آشکار است؟ (یس، ۷۷) و «أَوْ مَنْ يَنْشُؤُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٌ» یعنی: آیا کسی را [شریک خدا قرار

داده‌اند] که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟ (الزخرف، ۱۸) و «إِنَّا آنُلَّا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَأَكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِ خَصِيمًا» یعنی: یقیناً این کتاب را به درستی و راستی بر تو نازل کردیم؛ تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و حمایت گر خائن مباشد. (النساء، ۱۰۵)؛ «خصام» را به معنی استدلال و محاکمه گرفته و آیه را این گونه ترجمه کرده است: «آن شخص در مقام محاکمه و استدلال لجاجت به خرج می‌دهد» (شعار، ۸۶)؛ در حالی که اولاً: «خصام» در این آیه به هیچ وجه نمی‌تواند معنای مصدری داشته باشد؛ چون اگر معنای مصدری داشت باید به صورت «الد خصاماً» یا «الد فی الخصم» به کار می‌رفت؛ بنابراین، وجه جمع بودن این واژه بهتر است تا شیوه عبارت‌هایی همچون: «احسن القصص» و «احسن الحالین» در خود قرآن باشد. ثانياً: او اسم تفضیل (اللَّهُ) را هم به صورت تفضیلی ترجمه نکرده و معنای فعل مضارع به آن داده است. شاید اگر از این زاویه وارد می‌شد که خصم جمع خصم است یا جمع خصیم، بهتر به نتیجه می‌رسید.

۴-۳- غیر روشنمند بودن عملکرد قرآنیان شیعه در به کار گیری روش تفسیری قرآن به قرآن

با مراجعه به نگارش‌های تفسیری قرآنیان شیعه در می‌یابیم که عملکرد ایشان در استفاده از این روش تفسیری یکسان نبوده و در تفسیر برخی از آیات قرآن، بین ایشان اختلافاتی مشاهده می‌شود؛ از جمله، برقوعی در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَقْوَا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» یعنی: و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی رادفع می‌کند، و نه از کسی شفاعتی می‌پذیرند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می‌گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] باری می‌شوند. (البقره، ۴۸)؛ شفاعت اخروی را انکار کرده و در دنیا آن را به معنی استغفار و در حق مؤمنانی که خداوند از دین و اعمال آنان خشنود باشد، روا دانسته است (برقوعی قمی، ت، ۹۵/۱)؛ درحالی که یوسف شعار، در تفسیر همین آیه، با اشاره به آیات دیگری درباره‌ی شفاعت می‌گوید: «این قسمت از آیات، وجود شفیعانی را در روز قیامت ثابت می‌کند و می‌گوید: شفاعت کنندگانی خواهند بود منتهی توضیح می‌دهد که ... فقط کسانی حق شفاعت خواهند داشت که خداوند به ایشان اجازه دهد و از مقربین الهی باشند و این شفاعت درباره‌ی کسانی خواهد بود که خدا به بخشوده شدن آنان راضی باشد» (شعار، ۴۲).

آیه‌ای که انتخاب کردیم از آیات عقیدتی است که طبق نظر قرآنیان قابل فهم و کافی و بسیار از سنت است و بنابراین، نباید برداشت و تفسیر افراد مختلف به خصوص قرآنیان که مبنای فهم قرآن را خود قرآن می‌دانند از این آیه متفاوت باشد؛ اما با این وجود، از تطبیق این دو تفسیر، چنین به دست می‌آید که برقوعی شفاعت اخروی را به هیچ وجه قبول ندارد و تنها وجهی از شفاعت که مورد قبول او است شفاعت دنیوی به معنی استغفار است؛ درحالی که یوسف شعار، شفاعت اخروی را برای مقربان در گاه الهی به اذن خداوند در حق کسانی که خداوند به بخشوده شدن آنان

راضی باشد، اثبات می‌کند(شعار، ۱۳۶۹: ۴۲) و این نمونه‌ای از هماهنگ نبودن قرآنیان در استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن است.

۴- نتایج مقاله

با بررسی روش قرآنیان شیعه درخصوص روش تفسیر قرآن به قرآن، نتایج ذیل، حاصل می‌شود :

۴- قرآنیان شیعه در برخی از موارد، برخلاف دیدگاه خود، روش تفسیری قران به قران را در صدر روش‌های خویش قرار نداده و به جای آن، از روش‌های دیگری استفاده کرده‌اند و در مجموع، بهره‌گیری ایشان از روش باد شده، فراگیر نبوده و در برخی از موارد، از آن استفاده نکرده‌اند.

۴-۲- در برخی از موارد، انها به جای استفاده از تمامی آیات مشابه و همسو، تنها به تعدادی از آیات توجه کرده و تعدادی دیگر را نادیده گرفته‌اند و در مواردی روشنمند و یکسان عمل نکرده‌اند و تفسیرشان متفاوت بوده است.

۴-۳- انها در به کارگیری روش تفسیری، گاهی دچار خطأ شده و تفسیری که بر اساس این روش ارائه نموده‌اند قابل قبول نبوده است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن تیمیه، احمد، مقدمه فی اصول التفسیر، تحقیق فواز احمد زمرلی، چاپ دوم، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۸ ق/۱۹۹۷ م.
- ۳- الهی بخش، خادم حسین، القرآنیون و شبهاتهم حول السنہ، چاپ دوم، طائف: مکتبه الصدیق، ۱۴۲۱ ق.
- ۴- برقعی قمی، سید ابوالفضل، تابشی از قرآن، بی تابی چا بی جا.
- ۵- همو، سوانح ایام در زندگانی خادم الاسلام علامه برقعی، تصحیح اسحاق دبیری، چاپ اول، ۱۴۲۹/۱۳۸۷.
- ۶- همو، عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول، تحریر دوم، ۱۳۸۸/۱۴۳۱.
- ۷- تقوی، سید صادق، یک روش جدید و علمی برای از بین بردن کلیه اختلافات جزئی مسلمانان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۸- جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چاپ چهارم، تهران، خانه‌ی کتاب، ۱۳۹۱ ش.
- ۹- همو، سید اسدالله خرقانی روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه، چاپ اول، تهران: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰- حسینی طباطبائی، مصطفی، بررسی روایات ساختگی در کتب حدیث نقد کتب حدیث بی تا، بی چا، بی جا.
- ۱۱- همو، آیا سجده بر غیر زمین جایز است، مراجعه و تصحیح: اسحاق دبیری، بی چا، بی تا، بی جا.
- ۱۲- حسینی طباطبائی، مصطفی، راهی بهسوی وحدت اسلامی، بی چا، بی تا، بی جا.
- ۱۳- حکمی‌زاده، علی‌اکبر، اسرار هزارساله، چاپ نخست، همراه با شماره ۱۲ از نشریه پرچم، ۱۳۲۲.
- ۱۴- خرقانی، سید اسدالله، محو الموهوم و صحون المعلوم، بی چا، ناشر: غلامحسین نورمحمدی خمسه پور، بی تا بی جا.
- ۱۵- روشن ضمیر، محمدابراهیم، جریان شناسی قرآن بسنندگی، چاپ اول، تهران: ۱۳۹۰ ش.
- ۱۶- زرنگار، حنیف، یادی از یار، شرح مختصری از زندگی استاد حیدر علی قلمداران، بی چا، بی تا، بی جا.
- ۱۷- سنگلچی، محمدحسن (شريعت)، توحید عبادت، چاپ سوم، بی چا، بی تا، بی جا.
- ۱۸- همو، کلید فهم قرآن، چاپ پنجم، بی تا، بی جا.
- ۱۹- همو، محو الموهوم، بی چا، تابان، بی جا، ۱۳۲۳ ش.
- ۲۰- شعار، یوسف، تفسیر آیات مشکله، چاپ سوم، تهران: مجلس تفسیر قرآن، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۱- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲۲- فرید تنکابنی، عبد الوهاب، اسلام و رجعت، بی چا، بی تا، بی جا.

- ۲۳- قلمداران، حیدر علی، ارمغان آسمان در بیان عوامل و علل ارتقاء و انحطاط مسلمانان، بی‌جا، بی‌تا، بی‌جا.
- ۲۴- همو، بحثی عمیق پیرامون مساله خمس مأخوذه از کتاب و سنت، بی‌جا، بی‌تا، بی‌جا.
- ۲۵- کسری، احمد، در پیرامون اسلام، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۳۲۳.
- ۲۶- مجلس تفسیر تبریز، زندگینامه علامه فقید مفسر شهیر قرآن مجید شادروان آقای حاج میرزا یوسف شعار، تبریز: چاپ شفق، ۱۳۵۱.
- ۲۷- مختصری از زندگینامه استاد سید مصطفی حسینی طباطبائی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌جا.

منابع دیجیتالی:

- ۲۸- حب الله، حیدر، نظرية السنة في الفكر الإمامي الشيعي التكوين والصيرورة، بيروت: دار الانتشار العربي، (کتابخانه دیجیتال نور)، ۲۰۰۷.
- ۲۹- رنه دالمانی، هانری، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، متن. (نرم افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: ، امیرکبیر، ۱۳۳۵ ش.
- ۳۰- شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ: اول، (نرم افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۷ ش.
- ۳۱- کسری، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ بیستم، (نرم افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
- ۳۲- کرمانی، نظام الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ هفتم، (نرم افزار تاریخ ایران اسلامی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
- ۳۳- معرفت، محمد‌هادی، تفسیر و مفسران، (ناشر الکترونیک: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه‌ی اصفهان)، قم: موسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.
- ۳۴- نرم افزار نویسیار قرآن (مرکز کامپیوتري نور).

سایتها:

- ۳۵- آل غفور، سید‌محسن، شیخ‌هادی نجم‌آبادی فقیه روشنگر و قرآن‌پژوه سیاسی، نشریه‌ی علوم سیاسی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۹، شماره ۲۷۵ و ۲۷۶ (سایت تخصصی مجلات نور به آدرس اینترنتی www.noormags.com).

- ۳۶- حسینی ورجانی، خاطرات، بخش هفتم، وبلاگ قرآنیان به آدرس اینترنتی: h-varjani.blogfa.com/post-45.aspx

- ۳۷- سایت کتاب و کتابخانه (شهرنامه) بخش کتابخانه (کتابخانه‌ی فرید) به آدرس اینترنتی: <http://ketab.shahrnameh.com/index.php>
- ۳۸- فقیه حقانی، موسی، نقش و هایت شیعه در تاریخ معاصر ایران (سخنرانی).

<http://www.ammarha.com/news/۳۳۷۰.htm>

- ۳۹- مدرسی چهاردهی، مرتضی، شریعت سنگلجی، نشریه ادبیات و زبانها «وحید»، مرداد ۱۳۵۲- شماره ۱۱۶(سایت تخصصی مجلات نور www.noormags.com).
-۴۰- مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۱۳۷۶، تهران (کتابخانه دیجیتال نور).
-۴۱- نبوی رضوی، سید مقدم، نگاهی تحلیلی به تکاپوهای فکری شریعت سنگلجی، نشریه‌ی فلسفه و کلام «امامت پژوهی» زمستان ۱۳۹۰، شماره ۴(سایت تخصصی مجلات نور www.noormags.com).
-۴۲- ویکی‌پدیا دانشنامه آزاد، به آدرس اینترنتی: علی‌اکبر- حکمی‌زاده / <http://fa.wikipedia.org/wiki/علی‌اکبر- حکمی‌زاده>